





توسل در سیره پیامبر اکرم
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَأَلِهِ وَسَلَّمَ

سید عباس موسوی *



◆ چکیده

توسل یکی از موضوعات مهم اعتقادی است که همواره مورد اختلاف اندیشمندان فرق اسلامی بوده است. این نوشتار به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی توسل در سیره حضرت رسول گرامی اسلام ﷺ می‌پردازد و بر آن است که با تکیه بر منابع اهل سنت این موضوع را در زندگی آن حضرت مورد کاوش قرآنی، روایی و تاریخی قرار دهد.

کلید واژگان: توسل، تبرک، سیره، صحابه، پیامبر اکرم ﷺ.

◆ مقدمه

همه فرق اسلامی بر عدم جواز توسل به بت‌ها،^۱ طاغوت^۲ و توسل به نحو استقلال به غیر خداوند^۳ متفق‌اند. از طرف دیگر، بر جواز توسل^۴ در موارد ذیل اشتراک نظر دارند:

۱. توسل به خدا به ذات و اسماء و صفاتش؛^۵

۲. توسل به طاعت و ایمان؛^۶

۱. سوره یونس(۱۰)، آیه ۱۸.

۲. سوره نساء(۴)، آیه ۶۰.

۳. «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَ إِلَهِائِهِ»؛ «کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟!» (سوره بقره(۲)، آیه ۲۵۵)

۴. که در ادامه تحقیق به آنها اشاره خواهد شد.

۵. سوره اعراف(۷)، آیات ۱۸۰ و ۱۹۷؛ سوره فاطر(۳۵)، آیه ۱۳؛ سوره جن(۷۲)، آیه ۱۸؛ سوره اسراء(۱۷)، آیات ۱۱۰ و

۵۶؛ سوره قصص(۲۸)، آیه ۸۸؛ سوره شعراء(۲۶)، آیه ۲۱۳؛ سوره یونس(۱۰)، آیه ۱۰۶؛ سوره احقاف(۴۶)، آیات ۶۵؛

سوره رعد(۱۳)، آیه ۱۴.

۶. سوره بقره(۲)، آیات ۱۲۷-۱۲۸؛ سوره آل عمران(۳)، آیه ۱۶.

۳. توسل به دعای فرد صالح؛^۱
 ۴. توسل به قرآن کریم؛^۲
 ۵. توسل به آثار پیامبر در زمان حیات؛^۳
 ۶. توسل به پیامبر در روز قیامت؛^۴
 ۷. توسل به ذات پیامبر قبل از به دنیا آمدن؛^۵
 ۸. توسل به انبیا و اولیا در حیاتشان.^۶
- اما وهابیت - بر خلاف همه فرق اسلامی - جواز توسل را در سه نوع اول منحصر می‌کنند و غیر آن را مشروع نمی‌دانند، اما البانی، از بزرگان سلفی، ناچار به اعتراف می‌شود و اذعان می‌کند:
- توسل در غیر سه نوع نخست، مورد اختلاف است؛ زیرا برخی ائمه مانند احمد بن حنبل فقط توسل به رسول خدا ﷺ را جایز نمی‌دانند. همچنین شوکانی توسل به رسول خدا ﷺ و غیر آن حضرت از پیامبران و صالحین را جایز می‌داند.^۷
- بنابراین اختلاف در جواز یا عدم جواز باقی انواع توسلات، بین وهابیت (سلفیه) و دیگر فرق مسلمین است.^۸

۱. بخاری، محمد، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۷۳، کتاب الأنبياء، باب ۵۳، ح ۳۴۶۵؛ سیوطی، جلال‌الدین، تفسیر الدر المنثور، ج ۴، ص ۲۱۲-۲۱۳ (ذیل سوره کهف (۱۸)، آیه ۹).

۲. ابن‌حنبل، احمد، مسند حنبل، ج ۴، ص ۴۴۵.

۳. بخاری، محمد، پیشین، ص ۵۹ و ۱۸۹.

۴. همان، ح ۷۴۴۰؛ نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ح ۱۹۳؛ به نقل از: رضوانی، علی‌اصغر، سلفی‌گری و پاسخ به شبیهات، ص ۴۱۰.

۵. حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۶۷۲.

۶. موارد زیادی ذکر شده است که مورد بررسی این تحقیق است. برای نمونه، ر.ک: رفاعی، محمد نسیب، التوصل الی حقیقه التوسل، ص ۳۱۰؛ رضوانی، علی‌اصغر، پیشین، ص ۴۱۱.

۷. «وأما ما عدا هذه الأنواع (الثلاثة) من التوسلات ففيه خلاف،... مع أنه قد قال ببعضه (غير هذه الأنواع) بعض الأئمة فأجاز الإمام أحمد التوسل بالرسول (صلى الله عليه و سلم) وحده فقط و أجاز غيره كالإمام الشوكاني التوسل به و غيره من الأنبياء و الصالحين» (ر.ک: البانی، محمد، التوسل انواعه و احكامه، ص ۴۳).

۸. اعتقاد وهابیت برگرفته از فتاوی ابن تیمیه است که همه آنها معتقدند: «جایز نیست گفته شود خدایا، به حرمت و منزلت و مقامی که پیامبر نزد تو دارد، فلان حاجت مرا برآور. و از صحابه و گذشتگان امت محمدی ﷺ»

◆ نمونه‌ها

با توجه به محدوده پژوهشی این تحقیق، فقط توسل در سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را با تأکید بر منابع روایی اهل سنت بررسی خواهیم کرد و نشان خواهیم داد که توسل در سیره پیامبر وجود داشته و امری مشروع شمرده می‌شده است.

۱. توسل پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به پیامبران

هنگامی که فاطمه بنت‌اسد از دنیا رفت، حضرت علی عَلِيٌّ خدمت حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و عرضه داشت که مادرم از دنیا رفت. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾. بعد دستور فرمودند که لباس آن حضرت را از زیر کفن بر تن حضرت فاطمه بنت‌اسد بپوشانند و آن حضرت بعد از غسل و کفن در تشییع جنازه آن مخدره شرکت کردند و چهار طرف تابوت آن حضرت را گرفتند و هنگامی که می‌خواستند ایشان را وارد قبر کنند، ابتدا پیامبر اسلام وارد قبر شده و در آن خوابیدند و بیرون آمدند.^۱ سپس فرمودند:

اللَّهُ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ اغْفِرْ لَأُمِّي فَاطِمَةَ
بِنْتِ أَسَدٍ وَ لَقَدْهَا حُجَّتْهَا وَ وَسَّعَ عَلَيْهَا مَدْخَلَهَا بِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَ
الْأَنْبِيَاءِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِي فَإِنَّكَ أَزْهَمُ الرَّاحِمِينَ؛^۲

خداوند زنده می‌کند و می‌میراند و زنده است و نمی‌میرد. خدایا،
مادرم فاطمه بنت‌اسد را ببامرز و جایگاه او را وسیع گردان، به حق
پیامبرت و به حق پیامبران پیش از من، که تو رحم‌کننده‌ترین
رحم‌کنندگانی.

اما این رفتار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای عده‌ای از صحابه سؤالی را به وجود آورد:

➔ چنین دعایی نقل نشده است. (ر.ک: ابن تیمیه، احمد، زیارة القبور، ص ۱۶۱؛ بن باز، عبدالعزیز، البدع و المحدثات ما لا اصل له، ص ۲۶۵-۲۶۶).

۱. سمهودی، فخرالدین، وفاء الوفاء، ج ۳-۴، ص ۸۹۸-۸۹۹؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۳۴۸؛ صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۸۷.

۲. ابن حنبل، احمد، پیشین، ج ۴، ص ۱۳۸؛ ترمذی، ابوعیسی، سنن ترمذی، کتاب الدعوات، ح ۳۵۷۸؛ ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۴۴۱، ح ۱۳۸۵.

فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا رَأَيْتَاكَ صَنَعْتَ مَا صَنَعْتَ بِهِذِهِ؟ فَقَالَ: إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ بَعْدَ أَبِي طَالِبٍ أَبْرَءَ بِي مِنْهَا وَإِنَّمَا أَلْبَسْتُهَا قَمِيصِي لِتَكْتَسِبِي مِنَ خُلَلِ الْجَنَّةِ، وَاضْطَجَعْتُ مَعَهَا لِيُهَوَّنَ عَلَيْهَا؛^۱
 بعد از این کارها، از حضرت رسول ﷺ سؤال شد: ای رسول خدا ﷺ، این چه کاری بود که شما درباره فاطمه بنت اسد انجام دادید؟ فرمود: هیچ کس بعد از ابوطالب علیه السلام به اندازه او برای من نیکوکار نبود. همانا جامه‌ام را بر او پوشاندم تا از جامه‌های بهشتی بپوشد و در جای وی خوابیدم تا جایگاهش در قبر بر وی آسان گردد.^۲

در این روایت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خود و انبیای گذشته را وسیله قرار داده است. از این سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فهمیده می‌شود که انبیا در عالم برزخ زنده‌اند و می‌توان به آنان توسل جست.

۲. بوسیدن و استلام حجرالاسود و رکن یمانی

در منابع معتبر روایی شیعه^۳ و سنی^۴ به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در استلام و بوسیدن حجر الاسود و همچنین استلام و بوسیدن رکن یمانی اشاره شده است که اگر چنین عملی مخالف با توحید بود، به صورت حتمی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به چنین کاری مبادرت نمی‌ورزیدند؛ چنان‌که بخاری در صحیح خود می‌گوید: مردی از عبدالله بن عمر درباره استلام حجر پرسید و او در پاسخ گفت: «پیامبر را دیدم که حجر الاسود

۱. ر. ک: کلینی، محمد بن یعقوب، پیشین، ج ۱، ص ۴۵۳؛ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۳۲.
 ۲. سمهودی، فخرالدین، پیشین، ج ۳، ص ۸۹۸-۸۹۹؛ کلینی، محمد بن یعقوب، پیشین، ج ۲، ص ۳۴۸؛ صفار، محمد بن حسن، پیشین، ج ۱، ص ۲۸۷.
 ۳. کلینی، محمد بن یعقوب، پیشین، ج ۴، ص ۴۰۴؛ ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۱؛ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۱۳-۴۱۸.
 ۴. بخاری، محمد، پیشین، ج ۲، کتاب الحج، باب تقبیل الحجر، ص ۱۸۶؛ حاکم نیشابوری، محمد، پیشین، ج ۱، ص ۴۵۶؛ ابن حنبل، احمد، پیشین، ج ۲، ص ۲۵۳؛ نسائی، احمد بن شعیب، سنن نسائی، ج ۹، ص ۳۰۳؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۳، کتاب الحج، باب تقبیل الحجر، ح ۱۶۱۱، ص ۴۷۵.

را استلام می‌کرد و می‌بوسید.^۱ این روایت تصریح می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ به استلام و بوسیدن حجر الاسود مبادرت ورزیده‌اند. البته روشن است که بوسیدن و استلام حجر الاسود را با نگاهی توحیدی می‌توان توجیه کرد.

۳. توسل پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی علیه السلام به یکدیگر

سیره پیامبر اکرم ﷺ در توسل جستن به اشخاص نیز جاری بوده است. عبدالله بن مسعود نقل می‌کند:

روزی به رسول خدا عرضه داشتیم: یا رسول الله، حق را به من نشان بده تا آن را ببینم. پیامبر اکرم فرمودند: یا ابا عبدالله (کنیه ابن مسعود)، داخل اتاق اندرونی شو. پس من داخل شدم، دیدم علی بن ابی طالب نماز می‌خواند و در نماز می‌گوید: پروردگارا، به حق محمد بنده تو، پیامز گناهکاران شیعه مرا. پس بیرون آمدم تا به رسول خدا رسیدم پس دیدم او نیز مشغول نماز است و در رکوع و سجود نماز می‌گوید: پروردگارا، به حق علی، بنده تو، گناهکاران امت مرا پیامرز. ابن مسعود می‌گوید: جزع و بی‌تابی بزرگی مرا فرا گرفت. پس رسول خدا نمازش را مختصر کرد و فرمود: یابن مسعود، آیا بعد از ایمان، کافر شدی؟ عرض کردم: نه، هرگز یا رسول خدا؛ ولی علی را دیدم که از خدا درخواست می‌کرد و شما را واسطه پیش خدا قرار می‌داد و شما از خدا درخواست می‌کردید به واسطه علی. متحیرم کدام یک از شما پیش خدای عزوجل افضل هستید! پیامبر فرمودند: بدان که خداوند من و علی را از نور عظمتش خلق کرد...^۲

۱. بخاری، محمد، پیشین، کتاب الحج، باب تقبیل الحجر، ج ۲، ص ۳۹۸، ح ۱۶۱۰؛ اصبحی، مالک بن انس، الموطأ، ص ۳۰۶، کتاب الحج، ص ۱۲۰. این عمل را برخی از اصحاب مانند ابن عباس، عبدالله بن عمر، ابوهریره، ابوسعید خدری و جابر بن عبدالله نیز انجام می‌دادند (ر.ک: ازرقی، محمد بن عبدالله، اخبار مکه، ج ۱، ص ۳۲۱-۳۴۴).
۲. ابن شاذان، ابوالفضل، الفضائل، ص ۱۲۸؛ همو، الروضة فی فضائل أمير المؤمنين، ص ۱۱۲؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۴۴.

این روایت نیز تصریح در توسل پیامبر اکرم ﷺ به شخص دیگری دارد. در روایتی دیگر خود وجود مبارک حضرت علی علیه السلام نقل کرده‌اند:

عن علي عليه السلام انه قال: كنت من رسول الله كالعُضد من المنكب و كالذراع من العُضد، رباني صغيراً و آخاني كبيراً، سألته مرة أن يدعو لي بالمغفرة. فقام فصلى، فلما رفع يديه سمعته يقول: اللهم بحق علي عندك اغفر لعلي. فقلت: يا رسول الله، ما هذا؟ فقال: أو احد أكرم منك عليه، فاستشفع به إليه؛^۱

حضرت علی علیه السلام نقل کرده است: نسبت من به رسول خدا ﷺ مانند بازو به شانه و ذراع به بازو است (کنایه از همراهی و کمک‌رسانی است). در حالی که کودک بودم، مرا تربیت کرد و رشد داد و در بزرگسالی مرا به برادری برگزید. یک مرتبه از آن حضرت خواستم که برایم طلب مغفرت کند. پس به نماز ایستاد و هنگامی که دست‌هایش را (برای دعا) بلند کرد، شنیدم که می‌گوید: خدایا، به حق منزلت علی در نزدت، علی را ببخش! پس گفتم: یا رسول الله، این چه نوع درخواستی است؟ پس فرمود: آیا کسی از تو گرمی‌تر نزد خداوند است؟ پس برای تو طلب شفاعت کردم به واسطه جایگاهت (نزد خدای تعالی).

این روایت نیز تصریح دارد که حضرت پیامبر اکرم ﷺ واسطه برای توسل قرار گرفته است. اگر چنین درخواستی درست نبود، نباید آن حضرت چنین متوسل می‌شد.

۴. توسل به دعای مؤمن از دیدگاه پیامبر ﷺ

قرآن کریم علاوه بر دعای فرشتگان برای مؤمنین،^۲ از دعای مؤمن در حق مؤمن

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۱۶. در برخی دیگر از روایات همین مضمون نقل شده است (ر.ک: حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۳، ص ۲۷۳).

۲. «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا...»؛ «فرشتگانی که حاملان عرش‌اند و آنها که گرداگرد آن (طواف می‌کنند)، تسبیح و حمد پروردگارشان را می‌گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می‌کنند...» (سوره غافر (۴۰)، آیه ۷)

دیگر نیز خبر می‌دهد.^۱ پیامبر اکرم ﷺ نیز از امت اسلامی خواسته است که برای برادران دینی خود دعا کنند؛ چنان که عبدالله بن عمرو بن عاص می‌گوید: از پیامبر اکرم ﷺ شنیدم که فرمود:

سَلُوا لِي [لِي] الْوَسِيلَةَ فَإِنَّهَا مَنْزِلَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَا تَنْبَغِي أَنْ تُكُونَ [إِلَّا] لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ وَ أَنَا أَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ. فَمَنْ سَأَلَ لِي الْوَسِيلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّفَاعَةُ؛^۲

برای من از خدا وسیله بخواهید و آن مقامی است در بهشت که جز برای یکی از بندگان خدا شایسته نیست و امیدوارم که من همان کس باشم. هر کس برای من چنین مقامی بخواهد، شفاعت من بر او حلال می‌گردد.

در روایت دیگری رسول خدا ﷺ توسل به او پس قرنی را به اصحاب خویش سفارش می‌کند:

إِنَّ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الْيَمَنِ يَقْدَمُ عَلَيْكُمْ يَقَالُ لَهُ أُوَيْسُ. فَمَنْ لَقِيَهُ مِنْكُمْ فَلْيَأْمُرْهُ فَلْيَسْتَغْفِرْ لَكُمْ؛^۳
مردی از اهل یمن به سوی شما خواهد آمد که او را اوئیس خوانند. هر کس از شما او را ملاقات کرد، از او درخواست استغفار کند.

۵. توسل به سائلین از درگاه الهی و واسطه قرار دادن آنان

تقرب جویی به درگاه الهی یکی از ویژگی‌های اساسی اهل ایمان است که خود این

۱. «وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ»؛ «(همچنین) کسانی که بعد از آنها (بعد از مهاجران و انصار) آمدند و می‌گویند: پروردگارا، ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند، بیامرز و در دل‌هایمان حسد و کینه‌ای به مؤمنان قرار مده! پروردگارا، تو مهربان و رحیمی!» (سوره حشر (۵۹)، آیه ۱۰)

۲. نیشابوری، مسلم، پیشین، کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۴، ح ۸۷۵؛ ابن خزيمة، محمد بن اسحاق، صحیح ابن خزيمة، ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۴۱۱؛ ابن حنبل، احمد، پیشین، ج ۵، ص ۱۹۵، نسائی، احمد بن شعيب، پیشین، جزء ۳، ص ۶۹، ح ۶۷۱؛ قرطبي، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، جزء ۶، ص ۱۵۹، ذیل سوره مائده (۵)، آیه ۳۸.

۳. نیشابوری، مسلم، پیشین، ح ۲۵۴۲.

عمل با صفای باطنی سائلین از درگاه الهی جایگاهی برای آنان ایجاد می‌کند که می‌توانند واسطه فیض الهی نیز قرار بگیرند. از ابوسعید خدری نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

من خرج من بيته إلى الصلاة فقال: اللهم إني أسألك بحق السائلين عليك وأسألك بحق ممشي هذا، فإني لم أخرج أشراً ولا بطراً ولا رياءً ولا شفعة إنما خرجت اتقاء سخطك وابتغاء مرضاتك أن تعيذني من النار وأن تغفر ذنوبي إنّه لا يغفر الذنوب إلا أنت، إلا أقبل الله عليه بوجهه واستغفر له سبعون ألف ملك؛^۱

عطیه از ابی‌سعید خدری نقل کرده است که هر کس به عزم نماز در مسجد از خانه خود بیرون آید و این دعا را بخواند، رحمت خدا به او روی می‌آورد و هفتاد هزار فرشته برای او طلب آمرزش می‌کنند و آن دعا این است: خدایا، من از تو درخواست می‌کنم به حقی که سائلین بر تو دارند و از تو درخواست می‌کنم به حق محل راه رفتنم، من برای خوش‌گذرانی یا ریا از خانه بیرون نیامده‌ام، بلکه خانه را ترک گفتم برای دوری از خشم تو و کسب رضایت تو، از تو می‌خواهم مرا از آتش نجاتم دهی و گناهانم را ببخشی؛ زیرا گناهان را جز تو کسی نمی‌بخشد.

۳۵

در این حدیث پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم به مردم یاد می‌دهد که به هنگام درخواست حاجت از خداوند، به سائلان از درگاه ربوبی که همان صالحان و اولیای الهی‌اند، توسل بجویند و آنها را واسطه قرار بدهند.^۲

۶. توسل حضرت آدم علیه السلام به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

از روایات متعدد دانسته می‌شود که شروع توسل به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم از زمان

۱. ابن‌ماجه، محمد بن یزید، پیشین، کتاب المساجد، ج ۱، ص ۲۵۶؛ ح ۷۷۸؛ ابن‌حنبل، احمد، پیشین، ج ۳، ص ۲۱؛

متقی هندی، علاء‌الدین علی، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۴۰۱.

۲. سبحانی، جعفر، آیین وهابیت، ص ۱۵۸.

حضرت آدم عليه السلام بوده است. در روایات زیادی از حضرت پیامبر صلى الله عليه وآله به این موضوع تصریح شده است؛ از جمله آن حضرت فرموده:

هنگامی که آدم دچار آن لغزش گردید، عرض کرد: پروردگارا، از تو می خواهم که به حق محمد و آل محمد مرا ببخشی. خداوند سبحان فرمود: ای آدم، تو محمد را چگونه شناختی؛ درحالی که من هنوز او را نیافریده‌ام؟ عرض کرد: پروردگارا، هنگامی که مرا به دست قدرت خود آفریدی و از روح خودت در من دمیدی، سر که برداشتم، دیدم بر ستون‌های عرش نوشته شده: «لا اله الا الله محمد رسول الله». پس دانستم که تو نام کسی جز محبوب‌ترین آفریده‌ات را کنار نام خود قرار نمی‌دهی. خداوند فرمود: ای آدم، راست گفتی. او محبوب‌ترین آفریده‌های من است. مرا به حق او بخوان که تو را ببخسیم و اگر محمد نبود، تو را نمی‌آفریدم.^۲

طبرانی نیز این حدیث را در کتاب خود آورده و بر آن افزوده: «إِنَّهُ أَحَبُّ النَّبِيِّينَ مِنْ دُرِّيَّتِكَ؛ او آخرین پیامبر از نسل تو است».^۳ سبکی بعد از ذکر این حدیث می‌نویسد: «این حدیث با این سند قوی و تصحیح حاکم به ابن تیمیه نرسیده، و الا هرگز (جواز توسل را) تکذیب نمی‌کرد و یا دست کم جواب حاکم را می‌داد».^۴

از طرف دیگر، روایات فراوانی نیز در ذیل آیه شریفه «فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»^۵ «سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت (و با آنها توبه کرد) و خداوند توبه او را پذیرفت؛ چرا که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است»، نقل

۱. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۲، ص ۶۱۵؛ آجری، ابوبکر محمد بن حسن، *الشریفة*، ص ۴۲۲ و ۴۲۷؛ سیوطی، جلال‌الدین، پیشین، ج ۱، ص ۶۰؛ بیهقی، احمد بن حسین، *دلائل النبوة*، ج ۵، ص ۴۸۹؛ سمهودی، فخرالدین، پیشین، ج ۴، ص ۱۳۷۱-۱۳۷۲.

۲. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، پیشین، ج ۲، ص ۶۱۵؛ هیثمی، علی بن ابی بکر، *مجمع الزوائد*، ج ۸، ص ۲۵۳.

۳. طبرانی، ابوالقاسم، *المعجم الصغیر*، جزء ۲، ص ۱۸۲.

۴. سبکی، تقی‌الدین، *شفاء السقام، المعجم العقایدی*.

۵. سوره بقره (۲)، آیه ۳۷.

شده است که آن کلمات، اهل کساء (محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) بودند^۱ چنان که در روایتی ابن عباس از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند: «از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره کلماتی که آدم از پروردگار دریافت کرد و خداوند توبه‌اش را پذیرفت، پرسیدم. فرمود: به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام درخواست کرد که توبه او را بپذیرد و توبه‌اش پذیرفته شد»^۲.

اگر به دقت در این روایات نگریسته شود، دانسته خواهد شد که توسل جستن در فطرت انسان بوده و در غیر این صورت، آدم که تازه خلق شده است، چگونه فهمیده که اگر با واسطه قرار دادن محمد و آل وی علیهم السلام استغفار کند، توبه‌اش پذیرفته می‌شود؟

۷. توسل اصحاب به دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

تاریخ گواه این موضوع است که اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مواقع نیاز، گرفتاری و سختی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌آمدند و ایشان را واسطه قرار می‌دادند تا خداوند به دعاهاى ایشان جامه اجابت ببوشاند. برای روشن تر شدن موضوع به برخی از این موارد اشاره‌ای کوتاه می‌کنیم.

الف) توسل به دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای رفع قحطی

در دو کتاب مهم اهل سنت، روایتی از انس بن مالک نقل شده است که متوسل شدن مردم را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نشان می‌دهد:

۱. امام عسکری علیه السلام، حسن بن علی، تفسیر منسوب به امام عسکری، ص ۲۲۶؛ عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۴۱؛ کلینی، محمد بن یعقوب، پیشین، ج ۸، ص ۳۰۵؛ ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، ص ۱۲۶؛ قطب‌الدین راوندی، سعید، قصص الأنبياء، ص ۵۴.
۲. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، ص ۱۱، باب ۲۴، ح ۵۵؛ فتنی هندی، محمد طاهر، تذکرة الموضوعات، ص ۱۹۸؛ حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفصیل، ج ۱، ص ۱۰۱-۱۰۲؛ ابن جوزی، عبدالرحمن، الموضوعات، ج ۲، ص ۳، باب فی فضل أهل البيت و محببهم، ح ۲؛ سیوطی، جلال‌الدین، پیشین، ج ۱، ص ۶۰-۶۱، ذیل آیه ۳۷ سوره بقره. ر.ک: صفوری، عبدالرحمن، نزهة المجالس، ج ۲، ص ۱۸۶؛ تستری، نورالله، إحقاق الحق، ج ۲، ص ۷۷؛ ج ۹، ص ۱۰۲.

أَنَّ رجلاً دخل المسجد يوم الجمعة ورسول الله ﷺ قائم يخطب. فاستقبل رسول الله ﷺ قائماً فقال: يا رسول الله، هلكت الأموال و انقطعت السبل، فادع لنا الله تعالى يغثنا فرجع رسول الله ﷺ يديه ثم قال: «اللهم أغثنا، اللهم أغثنا» فطلعت من ورائه سحابة مثل الترس، فلما توسّطت السماء انتشرت، ثم أمطرت قال: فلا والله ما رأينا الشمس سبتاً^۱!

از انس بن مالک روایت شده است: مردی در روز جمعه وارد مسجد شد درحالی که رسول خدا ﷺ ایستاده خطبه می خواند. پس آن شخص در مقابل رسول خدا ﷺ ایستاد و عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ، چهارپایان هلاک و راهها بسته شدند. از خداوند بخواه که برای ما باران بفرستد. پیامبر اکرم ﷺ دستان مبارک خودشان را بلند کردند و به درگاه خدا عرض کردند: ای خدا، به فریادمان برس، ای خدا، به فریادمان برس! انس می گوید: پس از پشت کوه مانند سپر، قطعه ابری ظاهر شد و وقتی به وسط آسمان رسید، منتشر شد و باران شروع شد. قسم به خدا، ما در آسمان تا شش روز آفتاب ندیدیم.

این روایت به روشنی حاجت خواهی مردم را از پیامبر اکرم ﷺ می رساند که برای رسیدن به حوائجشان از آن حضرت خواستند که واسطه شود.

التجا به دعای پیامبر ﷺ نه تنها در دوران رسالت ایشان بوده است، بلکه در کودکی ایشان نیز جریان داشته است. روایتی در فتح الباری نقل شده است که حاکی از این موضوع است. در ایام قحطی مردم مکه سراغ ابوطالب آمدند و از ایشان خواستند که برای پایان دادن به قحطی دعا کند.^۲ ابوطالب همراه پیامبر ﷺ، درحالی که

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، پیشین، کتاب الإستسقاء، باب ۶۴۳، ج ۱، ص ۳۲۰؛ نیشابوری، مسلم، پیشین،

کتاب صلاة الإستسقاء؛ ابن تیمیه، احمد، پیشین، ص ۴۱ - ۴۲.

۲. علاوه بر این روایت، روایتی مشابه نیز درباره عبدالمطلب، جد پیامبر اکرم ﷺ، که متوسل به حضرتش شده بودند، نقل شده است.

ایشان خردسال بودند، کنار کعبه آمدند و از خداوند متعال درخواست باران کردند: اخرج ابن عساكر عن أبي عرفة قال: قدمت مكة و هم في قحط. فقالت قریش: يا اباطالب، اقحط الوادی و اجذب العیال فهلهم فاستسق. فخرج أبوطالب و معه غلام یعنی النبي ﷺ كأنه شمس دجی تجلت عن سحابة قتماء و حوله اغیلمة فأخذه أبوطالب فألصق ظهره بالكعبة و لاذ إلي الغلام و ما في السماء قذغة فأقبل السحاب من هاهنا و هاهنا و اغدق و اغدودق و انفجر له الوادی و اخصب النادی و البادی؛^۱

ابن عساكر از ابی عرفه نقل می کند: من به مکه رفتم و آنجا قحطی بود. پس قریش گفتند: ای ابوطالب، زمین قحطی زده و عیال گرسنه شدند. پس برای طلب باران حرکت کنید. پس ابوطالب همراه پسری (پیامبر اکرم ﷺ) مثل خورشید نورانی که نورش از ابرها خارج شده و عبایی بر دوش داشت، بیرون آمد. ابوطالب او را گرفت و پشت بچه را به کعبه چسباند و پیش آن پسر (پیامبر) التجا کرد؛ درحالی که در آسمان ابری نبود. در این هنگام از همه طرف ابرها آمدند و باران بسیاری بارید و زمین سیراب و حاصل خیز شد و کویر سرسبز شد.

با توجه به روایت قبلی، برخی از اصحاب به شعر معروفی که ابوطالب درباره پیامبر اکرم ﷺ سروده است و متضمن مفهوم توسل به حضرتش برای طلب باران است، متوسل می شدند. منابع معتبر اهل سنت به توسل جستن عبدالله بن عمر به رسول خدا ﷺ با خواندن این شعر اشاره کرده اند.^۲ و آن شعر چنین است: «وَأَبِيضُ

۱. سبحانی، جعفر، فی ظل اصول الاسلام، ص ۲۴۲، به نقل از: ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۲، ص ۴۹۴؛ بیهقی، ابوبکر، پیشین، ج ۲، ص ۱۶-۱۷؛ حلبی، علی، السیرة الحلبیة، ج ۱، ص ۱۱۶.
 ۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، پیشین، باب سؤال الناس الامام الاستسقاء اذا قحطوا، ص ۱۹۹؛ ابن تیمیه، احمد، پیشین، ص ۴۲.

یستسقی الغمام بوجهه ... شمال الیتامی عصمةً للأرامل؛^۱ کسی که سفیدروی و نورانی است که به برکت روی وی از ابر طلب باران می‌شود و او پناه و فریادرس یتیمان و نگهدارنده و سرپرست ضعیفان و بیوه زنان است».

هرچند برخی دیگر از صحابی با سرودن اشعار، توسل خود را در محضر حضرت رسول ﷺ نشان می‌دادند و حضرتش نیز تفقد می‌کردند و آنان را از این کار باز نمی‌داشتند^۲ و به حاجت‌های ایشان رسیدگی می‌کردند.

طبق روایات پیامبر اکرم ﷺ بار دیگر برای مردم طلب باران کرد و باران سراسر مکه و اطراف آن را گرفت. پیامبر گرامی ﷺ فرمودند: اگر ابوطالب زنده بود، دیدگان او روشن می‌شد. آیا کسی هست که شعر او را در این زمینه، برای ما بخواند؟ حضرت علی رضی الله عنه عرضه داشتند: گویا مقصود شما این بیت است: «و أبيض يستسقي الغمام بوجهه ... شمال الیتامی عصمةً للأرامل؛^۳ کسی که سفیدروی و نورانی است که به برکت روی وی از ابر طلب باران می‌شود و او پناه و فریادرس یتیمان و نگهدارنده و سرپرست ضعیفان و بیوه زنان است».^۴ خوشحالی پیامبر اکرم ﷺ حاکی است که کار عمومی وی کاملاً مشروع بوده است.

ب) طلب دعا از پیامبر اکرم ﷺ برای بینا شدن

ابتلا به بیماری نیز یکی از اموری بوده که مردم برای خلاصی از آن نزد پیامبر

۱. ابن حجر عسقلانی، پیشین، ج ۲، ص ۴۹۴؛ بیهقی، ابوبکر، پیشین، ج ۲، ص ۱۶-۱۷؛ حلبی، علی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۶؛ ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۲۷۲-۲۸۰.
۲. برای نمونه: سواد بن قارب؛ ر.ک: ضیاء آبادی، سید محمد، توسل از دیدگاه عقل، قرآن و حدیث، ص ۴۱؛ عسکری، سید مرتضی، توسل به پیامبر خدا و تبرک به آثار ایشان، ص ۴۱-۴۲؛ بیهقی، ابوبکر، پیشین، ج ۶، ص ۱۴۰-۱۴۲؛ سبکی، تقی‌الدین، پیشین، ص ۱۷۰-۱۷۱.
۳. ابن حجر عسقلانی، پیشین، ج ۲، ص ۴۹۴؛ بیهقی، ابوبکر، پیشین، ج ۲، ص ۱۶-۱۷؛ حلبی، علی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۶؛ ابن هشام، عبدالملک، پیشین، ج ۱، ص ۲۷۲-۲۸۰.
۴. حلبی، علی، پیشین، باب الایات، جزء ۳، ص ۲۷۱؛ ابن کثیر، اسماعیل، البدایة و النهایة، جزء ۶، ص ۹۰ و ۹۹؛ سبکی، تقی‌الدین، پیشین، جزء ۱۰، ص ۱؛ طبرانی، ابوالقاسم، الدعاء، ج ۱، ص ۵۹۷؛ در منابع شیعه نیز این روایت در کتب روایی ذکر شده است؛ مانند طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی (طبع قدیم)، ص ۲۷؛ ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ج ۱، ص ۳۵۰.

اکرم می‌آمدند و درخواست دعا و شفا از ایشان می‌کردند. پرمناقشه‌ترین روایت درباره توسل به حضرت رسول اکرم ﷺ، روایتی است که ابن حنیف نقل می‌کند:

إِنَّ رَجُلًا ضَرِيحًا أَتَى النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَ: أَدْعُ اللَّهَ أَنْ يَعَافِيَنِي.
فَقَالَ ﷺ: إِنْ شِئْتَ دَعْوَتْ وَ إِنْ شِئْتَ صَبْرَتْ وَ هُوَ خَيْرٌ. قَالَ:
فَادَعُهُ. قَالَ: فَأَمْرُهُ أَنْ يَتَوَضَّأَ فَيُحْسِنُ وَضُوئَهُ وَ يَصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ وَ يَدْعُو
بِهَذَا الدُّعَاءِ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ
الرَّحْمَةِ، يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى رَبِّي فِي حَاجَتِي لَتُقْضَى. اللَّهُمَّ
شَفِّعْهُ فِيَّ». قَالَ ابْنُ حَنِيفٍ: فَوَاللَّهِ مَا تَفَرَّقْنَا وَ طَالَ بِنَا الْحَدِيثَ حَتَّى
دَخَلَ عَلَيْنَا كَأَنَّ لَمْ يَكُنْ بِهِ ضُرٌّ؛^۱

نابینایی نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد و گفت: از خداوند بخواه به من عافیت بدهد. پیامبر فرمود: اگر مایل هستی، دعا کنم و اگر مایل باشی، صبر کن که این برایت بهتر است. مرد نابینا گفت: دعا کنید. پیامبر به او دستور داد که وضو بگیرد و در وضوی خود دقت کند و دو رکعت نماز بگزارد و این چنین دعا کند: «پروردگارا، من به وسیله پیامبرت از تو درخواست می‌کنم. ای محمد، من برای حاجتم به وسیله تو به خدایم متوجه می‌شوم تا خدا حاجتم را برآورد.

۱. ابن‌ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن‌ماجه، ج ۱، کتاب الصلاة، باب ۱۸۹، ص ۴۴۱، ح ۱۳۸۵؛ ابن‌حنبل، احمد، پیشین، ج ۴، ص ۱۳۸؛ همان، ج ۵، ح ۱۶۹۱۳؛ بیهقی، ابوبکر، پیشین، ج ۶، ص ۱۶۹، ح ۱۰۴۹۵؛ آلوسی، محمود، روح المعانی، ج ۶، ص ۱۲۵؛ ترمذی، ابو عیسی، پیشین، ج ۵، کتاب الدعوات، باب ۱۱۹، ح ۳۵۷۸؛ حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، پیشین، ج ۱، ص ۳۱۳؛ طبرانی، ابوالقاسم، پیشین، ج ۱، ص ۱۸۳؛ فوری، محمد، تحفة الاحوذی، ج ۱۰، ص ۲۳؛ ابن‌خزیمه، ابوبکر، صحیح ابن‌خزیمه، ج ۲، ص ۲۲۵؛ ابن‌عساکر، ابوالقاسم، الاربعین‌البلدانیه، ص ۸۵؛ ابن‌اثیر جزری، ابوالحسن، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۳، ص ۲۷۱؛ ابن‌کثیر، اسماعیل، پیشین، ج ۶، ص ۱۷۹؛ صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی والرشاد، ج ۱۲، ص ۴۰۴؛ سمهودی، فخرالدین، پیشین، ج ۴، ص ۱۳۷۳.

در منابع شیعی نیز همین روایت را با عبارات دیگری ذکر کرده‌اند. ر. ک: راوندی، قطب‌الدین سعید بن هبة‌الله، پیشین، ج ۱، ص ۵۵: «جَاءَ رَجُلٌ ضَرِيحٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ شَكَا إِلَيْهِ ذَهَابَ بَصَرِهِ. فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَنْتَ الْمَيْضَةُ فَتَوَضَّأَ ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَ قُلَّ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ. يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى رَبِّكَ لِئَجْلِي عَنْ بَصْرِي. اللَّهُمَّ شَفِّعْهُ فِيَّ وَ شَفِّعْنِي فِي نَفْسِي. قَالَ ابْنُ حَنِيفٍ: فَلَمْ يَطَّلْ بِنَا الْحَدِيثَ حَتَّى دَخَلَ الرَّجُلُ كَأَنَّ لَمْ يَكُنْ بِهِ ضُرٌّ قَطُّ».

پروردگارا، شفاعت او را درباره من بپذیر». ابن حنیف می‌گوید: «به خدا سوگند که ما متفرق نشده بودیم و طولی نکشید که این پیرمرد بر ما وارد شد؛ گویا هرگز نایبنا نبوده است.»

در این حدیث پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، خود دعا نفرموده بلکه به او آموخت که چگونه به ایشان توسل جوید و چگونه از خداوند منان بخواهد. آن فرد نیز طبق فرموده پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایشان را وسیله تقرب خود به خدا قرار داد و در دعا هیچ‌گونه حذف و اضافه از خود انجام نداد. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سیره عملی خود را برای شخص سائل بیان می‌کند و به وی تعلیم می‌دهد که چنین دعا کند و آن حضرت را میان خود و خدا، وسیله قرار دهد. در واقع فلسفه واقعی توسل نیز همین است تا انسان‌های نیازمند و گنهکار با واسطه قرار دادن مردان خدا و مقربان درگاه الهی، به خواسته‌های خود برسند.

اهمیت و جایگاه این روایت، اقتضا می‌کند که گفته شود صحت سند و مضمون این حدیث نزد همه علما واضح است^۱ و جای هیچ‌گونه توجیه و تأویل نیست. حتی ابن تیمیه هم به صحت سند این حدیث اعتراف کرده است.^۲ همچنین تمام مفسران اهل سنت از جمله رشیدرضا و مراغی که پیروان ابن تیمیه در این موضوع هستند، این روایت را صحیح دانسته‌اند، اما چون سند حدیث خدشه‌ناپذیر بوده است، دست به تأویل زده‌اند و با ذکر این مسئله که قرآن کریم خواندن غیر خداوند را نهی کرده است،^۳ عنوان کرده‌اند: «این روایت صحیح است، ولی نایبنا به دعای رسول متوسل شده است؛ لذا این روایت دلیل بر جواز توسل به شخص رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اولیای الهی نیست؛ زیرا مرد نایبنا از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دعا خواسته بود و رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱. ابن ماجه، محمد بن یزید، پیشین، ج ۱، ص ۴۴۱؛ هیثمی، نورالدین، پیشین، ج ۲، ص ۲۷۹؛ متقی هندی، علاءالدین علی، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۱؛ ج ۶، ص ۵۲۱؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ج ۹، ص ۳۰، ج ۸۳۱؛ سمهودی، فخرالدین، پیشین، ج ۳-۴، ص ۱۳۷۲؛ حاکم، محمد بن عبدالله، پیشین، ج ۱، ص ۴۵۶. حاکم درباره این روایت می‌گوید: «هذا حدیث صحیح الاسناد؛ سند این حدیث صحیح است.»

۲. ابن تیمیه، احمد، التوسل والوسیله، ص ۹۷-۱۰۶. به نقل از بهبهانی، عبدالکریم، فی رحاب اهل البیت عَلَيْهِمُ السَّلَام: الشفاعة، ص ۳۱؛ رفاعی، محمد نسیب، پیشین، ص ۱۵۸.

۳. سوره رعد (۱۳)، آیه ۱۴؛ سوره اعراف (۷)، آیات ۱۹۴ و ۱۹۷؛ سوره فاطر (۳۵)، آیه ۱۴؛ سوره یونس (۱۰)، آیه ۱۰۶.

دعا را به او آموخت و نه توسل به خود را.»^۱

جعفر سبحانی در پاسخ به این شبهه می‌گوید:

اگر این حدیث را به دست فردی آشنا به زبان عربی بدهید که ذهنش از مناقشات وهابی‌ها در مسئله توسل به کلی خالی باشد و از او بپرسید پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در دعایی که به نابینا تعلیم فرمود، چه دستوری داد و او را در استجابت دعای خود چگونه ارشاد کرد، به شما پاسخ خواهد داد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او تعلیم داد که پیامبر رحمت را وسیله خود قرار دهد و به او توسل بجوید و از خدا بخواهد که خداوند حاجت او را برآورده سازد. این مطلب از جمله‌های زیر به خوبی استفاده می‌شود:

(الف) «اللهم اني اسئلك و اتوجه اليك بنبيك؛ بار الهاء، از تو مسألت می‌کنم و به تو به وسیله پیامبرت روی می‌آورم». در اینجا مراد خود نبی است، نه دعای نبی، و گمان اینکه مقصود دعای نبی است، برخلاف ظاهر و فاقد برهان است.

(ب) «محمد نبي الرحمة». برای اینکه روشن شود مقصود مسألت از خدا به خاطر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و توجه به خدا به وسیله او است، نبی را با جمله «محمد نبي الرحمة» وصف کرده است تا حقیقت را روشن‌تر و هدف را واضح‌تر سازد.

(ج) «يا محمد اني أتوجه الي ربي». این جمله می‌رساند که آن مرد حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را وجهه دعای خود قرار می‌دهد، نه دعای آن حضرت را.

(د) مفاد جمله «و شفعه في» این است: پروردگارا، او را شفیع من قرار بده و شفاعت او را در مورد من بپذیر. در این جمله آنچه

۱. ابن تیمیه، احمد، مجموعه الرسائل والمسائل، ج ۱، ص ۱۳؛ رفاعی، محمد نسیب، پیشین، ص ۱۵۸.

مورد سخن است، همان ذات گرامی و شخصیت والامقام آن حضرت است و سخنی از دعای پیامبر به میان نیامده است.^۱ در خاتمه این روایت، اذعان سمهودی، یکی از علمای اهل سنت، درباره حقیقت توسل می‌تواند حُسن ختام باشد:

واعلم ان الاستغاثة و التشفع بالنبي و بجاهه و برکته إلی ربه من فعل الانبياء و المرسلین و سیر السلف الصالحین واقع فی کل حال قبل خلقه و بعد خلقه و فی حیاته الدنیویة و مدة البرزخ و عرصات القيامة؛^۲

بدانید که درخواست و شفاعت جویی از خداوند به وساطت نبی اکرم و به مقام و برکت وی از افعال پیامبران و روش صالحین گذشته است و این قبل از خلقت آن حضرت و بعد از خلقت او و در حیات دنیوی و برزخی او و در روز قیامت واقع شده است.

طبرانی روایت دیگری در معجم الکبیر از عثمان بن حنیف نقل می‌کند: ان رجلاً کان یختلف إلی عثمان بن عفان فی حاجته. فکان لا یلتفت إلیه. فشکا ذلک لابن حنیف. فقال له: اذهب و توضاً و قل: ... (و ذکر نحو ما ذکر الضریر)، قال: فصنع ذلک، فجاء البواب، فأخذه و أدخله علی عثمان. فامسکه علی الطنفسة، وقضى حاجته؛^۳

مردی برای برآوردن نیاز خویش نزد عثمان بن عفان رفت و آمد می‌کرد، ولی عثمان به او و خواسته‌اش توجهی نشان نمی‌داد. آن مرد ابن حنیف را دید و از وضع موجود شکوه کرد. عثمان بن حنیف به او گفت: به وضوخانه برو و وضو بگیر. سپس به مسجد در آی و

۱. سبحانی، جعفر، التوسل مفهومه وأقسامه و حکمه فی الشریعة الإسلامیة الغراء، ص ۷۰ به بعد.

۲. سمهودی، فخرالدین، پیشین، ج ۴، ص ۱۳۷۱.

۳. طبرانی، ابوالقاسم، المعجم الکبیر، ج ۹، ص ۳۰، ح ۸۳۱۱؛ سیوطی، جلال الدین، شرح سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۹۹، ح ۱۳۸۵.

دو رکعت نماز بگزار و دعایی را بخوان که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به فرد نابینا تعلیم کرد. آن مرد رفت و آنچه به او گفته بود، انجام داد. سپس به در خانه عثمان بن عفان آمد که ناگهان دربان خانه نزد او آمد و دستش را گرفت و وارد مجلس عثمان کرد. او نیز وی را روی زیرانداز کنار خود نشاند و گفت: خواسته ات چیست؟ او خواسته اش را بیان کرد و وی آن را برآورده ساخت. سپس به او گفت: تو تا این ساعت نیازت را یادآور نشده بودی. و گفت: هر نیاز و حاجت دیگری که داری، بیان کن.^۱

ج) طلب دعا از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای سلامتی حافظه

برخی روایات به کسانی اشاره می‌کنند که از ضعف حافظه خود نزد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اظهار ناراحتی می‌کردند. آن حضرت با سعه صدر خود دست به سینه شخص می‌گذاشتند و به شیطان دستور می‌دادند که از درون وی دور شود. پس از آن، آنها اظهار می‌کردند که پس از التجا به نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حافظه آنها قوی گشته است و هر چه را که می‌شنوند، می‌توانند به خاطر بسپارند.^۲

همچنین درباره ابوبکر نقل شده است که نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و عرضه داشت: من قرآن را فرامی‌گیرم، ولی آن را فراموش می‌کنم. حضرت فرمودند بگو: «اللهم إني أسألك بمحمدٍ نبيك و إبراهيم خليلك و بموسى نبيك و عيسى روحك و بتوراة موسى و إنجيل عيسى و فرقان محمد و بكل وحي اوحيته و قضاء قضيته؛^۳ پروردگارا، از تو درخواست می‌کنم به محمد پیامبرت و ابراهیم دوست تو و به موسی و عیسی روح تو (و کلمه تو) و به تورات موسی و انجیل عیسی و فرقان محمد و به هر وحی‌ای که نازل کردی و هر قضایی که آن را گذراندی».

۱. تحقیق النصره، ص ۱۱۴-۱۱۵، به نقل از عسکری، سید مرتضی، معالم المدرستین، ج ۱، ص ۵۳.

۲. زرقانی، ابوعبدالله، شرح المواهب، ج ۸، ص ۱۴۵.

۳. رفاعی، محمد نسیب، پیشین، ص ۱۷۶؛ رضوانی، علی اصغر، پیشین، ص ۴۱۱.

در روایتی مشابه همین قضیه را درباره عثمان بن ابی العاص نقل کرده‌اند که به واسطه تصرف تکوینی نبی اکرم ﷺ و دست نهادن بر سینه وی، موفق به حفظ قرآن شد و تا آخر عمر آن را فراموش نکرد.^۱

تعلیم این گونه توسل از رسول گرامی اسلام ﷺ خود گواه بر این موضوع است که ایشان به مردم القا می‌کردند که با واسطه قرار دادن پیامبر ﷺ در پیشگاه خدا، بهتر و زودتر به درخواست‌ها و دعاهاشان می‌رسند.

(د) طلب دعا از پیامبر اکرم ﷺ برای رفع بیماری

بیماری از مشکلاتی است که می‌تواند افراد را زمین‌گیر و ناتوان سازد. توسل اصحاب و نزدیکان رسول خدا ﷺ در این زمینه به وفور در تاریخ نقل شده است. در این پژوهش به ذکر یک نمونه بسنده می‌کنیم.

ابن کثیر از بیهقی نقل می‌کند:

انه دعا لعمه أبي طالب في مرضة مرضها و طلب من رسول الله صلى الله عليه و سلم أن يدعو له ربه فدعا له فبرأ من ساعته؛^۲

رسول خدا ﷺ برای عموی خود ابوطالب از مرضی که ابوطالب را مریض کرده بود، دعا کرد. ابوطالب از رسول خدا خواست که از خدای خود برای او دعا کند. پس نبی اکرم ﷺ دعا کرد و ابوطالب از همان وقت بهبود یافت.

همچنین ابن کثیر روایت دیگری را نقل می‌کند:

ان رجلاً من بني ليث يقال له فراس بن عمرو، أصابه صداع شديد. فذهب به أبوه إلى رسول الله فأجلسه بين يديه و أخذ بجلدة بين عينيه فجذبها حتى تبصت فنبتت في موضع أصابع رسول الله شعرة و ذهب عنه الصداع فلم يصدع؛^۳

۱. طبرانی، ابوالقاسم، المعجم الکبیر، ج ۹، ص ۴۷؛ هیثمی، نورالدین، پیشین، ج ۹، ص ۳؛ صالحی شامی، محمد بن یوسف، پیشین، ج ۶، ص ۲۲۹.

۲. ابن کثیر، اسماعیل، پیشین، ج ۲، ص ۷۸۲.

۳. همان.

مردی از بنی لیث که او را فراس بن عمرو می گفتند، به سردرد شدید مبتلا شد. پدرش او را پیش رسول خدا ﷺ برد. پس رسول خدا ﷺ او را روبه روی خود نشانند و پوست وسط چشم او را دست گرفت و کشید تا اینکه چرک بیرون آمد و بر جایی که رسول خدا انگشت نهاده بود، موی روید و سردرد او از بین رفت؛ پس دیگر سردرد نگرفت.

طلب شفا از خداوند با واسطه قرار دادن شخص پیامبر گرامی اسلام ﷺ، به صورت فراوان در منابع روایی شیعه و سنی نقل شده است که گواه بر سیره عملی پیامبر اکرم ﷺ در این زمینه است.

هـ) دعا برای وسیله شفاعت بودن پیامبر ﷺ

اذان هنگامه‌ای روحانی است و این فرصت را به انسان می دهد که با خدای خویش ارتباط معنوی برقرار سازد، ولی چگونگی این ارتباط بسیار حائز اهمیت است. به همین جهت، در برخی از روایات به این نکته اشاره شده است که هنگام دعا به پیامبر گرامی اسلام ﷺ التجا و توسل شود؛ چنان که جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم ﷺ روایت می کند:

مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ النِّدَاءَ (الْإِذَانَ) اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ
وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ أَتَ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَابْعَثْهُ الْمَقَامَ
الْمَحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ حَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ!^۱
هر کس به هنگام شنیدن اذان بگوید: خدایا، ای صاحب این
دعوت نامه و نماز به پا داشته شده، به محمد وسیله و فضیلت بده و
او را به مقام پسندیده‌ای که وعده کرده‌ای، برسان، شفاعت من در
روز قیامت به او خواهد رسید.

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، پیشین، ج ۱، ص ۲۰۸؛ نسائی، احمد، پیشین، ج ۲، ص ۸۲۷؛ ترمذی، ابو عیسی، پیشین، ج ۱، ص ۲۸۳؛ بیهقی، ابوبکر، سنن بیهقی، ج ۲، ص ۱۷۴.

رسول خدا ﷺ در این حدیث از مسلمانان خواسته که وسیله بودن آن حضرت را از خدا طلب کنند. علمای اهل سنت می‌گویند این دعا چیزی غیر از نماز است که پیامبر گرامی ﷺ به مسلمانان تعلیم داده است. خداوند امر فرموده است که با پیامبر، خاندان او را نیز همراه کنند و دعا را با توسل پایان دهند. در بعضی روایات آمده است که دعای با وسیله، مقدمه نماز است.

و) طلب دعا از پیامبر اکرم ﷺ برای نزول برکت

برکت امری معنوی است که می‌تواند تمام زندگی انسان را متأثر سازد. صحابی مکرم پیامبر گرامی ﷺ بارها از ایشان درخواست نزول برکت در تمامی جهات زندگی‌شان می‌کردند. ابن کثیر در روایتی به این موضوع اشاره می‌کند:

ان رجلاً اشتری بعيراً فأتى رسول الله فقال: اني اشتريت بعيراً فادع الله أن يبارك لي فيه. فقال: اللهم بارك له فيه. فلم يلبث إلا يسيراً أن نفق ثم اشتری بعيراً آخر فأتى به رسول الله. فقال: اني اشتريت بعيراً فادع الله أن يبارك لي فيه. فقال: اللهم بارك له فيه. فلم يلبث حتى نفق ثم اشتری بعيراً آخر. فأتى رسول الله فقال: يا رسول الله قد اشتريت بعيرين فدعوت الله أن يبارك لي فيهما. فادع الله أن يحملني عليه فقال: اللهم احمله عليه. فمكث عنده عشرين سنة؛^۱

مردی شتری خرید و پیش رسول خدا ﷺ آمد و گفت: شتری خریدم و از خدا بخواهید که مرا برکت عنایت کند. پس رسول خدا فرمودند: خدایا، او را در آن برکت ده. زمانی نگذشت که آن شتر مُرد. سپس شتری دیگر خرید و پیش پیامبر اکرم ﷺ آمد و عرضه داشت: شتری خریدم و از خدا بخواهید که مرا در آن برکت دهد. آن شتر نیز زیاد نماند. پس یک شتر دیگری خرید و پیش رسول خدا ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا ﷺ، من دو شتر

خریدم و از خدا خواستم که در آن برکت بدهد و دعا کنید که خدا مرا بر آن سوار کند. پس رسول خدا ﷺ عرضه داشت: خدایا او را بر آن سوار کن. پس آن شتر پیش او بیست سال ماند. از این روایت‌ها به خوبی استفاده می‌شود که توسل به پیامبر گرامی اسلام ﷺ به منظور برآورده شدن حاجت، و رهایی از شدايد و گرفتاری‌ها جایز است.

◆ نتیجه

از مجموع روایات، این پیام متبادر است که توسل به حضرتش مورد تأکید قرآن و مطابق با سیره نبوی است و اصحاب نیز در عصر پیامبر در گرفتاری‌ها، شدايد، نیازها، حوايج، بیماری‌ها و امور معنوی به آن حضرت متوسل می‌شدند و حداقل می‌توان ادعا کرد که در توسل به پیامبر اکرم ﷺ منعی وجود ندارد. به همین جهت، تمامی فرق اسلامی روایات مربوط به توسل اصحاب به حضرت پیامبر اعظم ﷺ را قبول دارند. با این حال، برخی از اندیشمندانی که متأثر از افکار ابن تیمیة‌اند، همه این احادیث صحیح نبوی را دروغ پنداشته و اصل توسل به حق پیامبر و آل ﷺ او را رد کرده و گفته‌اند:

چیزی را از خدا خواستن و او را به حق پیامبر یا هر کس دیگر از پیامبران و صالحان قسم دادن، هیچ ارزش علمی و دینی ندارد و نمی‌تواند کار مقبول و شایسته‌ای باشد، تا چه رسد که وسیله آمرزش و عفو کامل شود. صرف گفتن الفاظ چه تأثیری دارد و نزد خدا چه قیمتی می‌تواند داشته باشد تا موجب ریزش گناهان گردد؟^۱

در این تحقیق عنوان شد که مشروعیت توسل به اولیای خدا، مخصوصاً شخص پیامبر اکرم ﷺ، و واسطه قرار دادن ایشان برای تقرب به خداوند و طلب حاجت از ایشان، مسئله‌ای است که به نص صریح احادیث صحیح و متواتر اهل سنت ثابت شده است و اکثر مسلمانان از قدیم تا امروز به آن معتقد بوده و عمل کرده‌اند.

۱. قصیمی، عبدالله بن علی، الصراع بین الاسلام والوثنية، ج ۲، ص ۵۹۳، به نقل از محدثی، جواد، تبرک و توسل.

◆ منابع

١. ابن ابي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله: **شرح نهج البلاغة**، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، چاپ اول، ١٤٠٤ق.
٢. ابن اثير جزري، عزالدين ابوالحسن علي بن محمد بن عبد الكريم: **اسد الغابة في معرفة الصحابة**، تهران: اسماعيليان، چاپ سوم، بی تا.
٣. ابن تيميه، ابوالعباس تقی الدين احمد بن عبد الحكيم: **رسالة زيارة القبور**، رياض: دارالمسلم للنشر، بی تا.
٤. _____: **مجموعة الرسائل والمسائل**، تعليق: محمدرشيد رضا، نرم افزار الشاملة نسخه ٣.٢٤.
٥. ابن جوزي، عبدالرحمن بن علي: **الموضوعات**، تحقيق: عبدالرحمن محمد عثمان، بيروت: دارالكتب الاسلامية، چاپ اول، ١٣٨٦ق.
٦. ابن حجر عسقلاني، محمد بن حجر: **فتح الباري في شرح البخاري**، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٠٨ق.
٧. ابن حنبل شيباني، احمد، **مسند حنبل**، بيروت: دار صادر، بی تا.
٨. ابن خزيمة، محمد بن اسحاق: **صحيح ابن خزيمة**، تحقيق: محمد مصطفى اعظمي، بيروت: المكتب الاسلامي، ١٣٩٠ق.
٩. ابن شاذان جبرئيلي قمی، ابوالفضل: **الروضة في فضائل امير المؤمنين**، تحقيق: علي شكرجي، قم: مكتبة الامين، ١٤٢٣ق.
١٠. _____: **الفضائل**، قم: نشر رضی، چاپ دوم، ١٣٦٣ش.
١١. ابن طاووس، علي بن موسى: **الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف**، تحقيق: علي عاشور، قم: خيام، چاپ اول، ١٤٠٠ق.
١٢. ابن عساکر، ابوالقاسم علي بن حسن: **الاربعين البلدانية**، نرم افزار الشاملة نسخه ٣.٢٤.
١٣. ابن كثير دمشقي، ابوالفداء اسماعيل بن عمرو: **البداية والنهاية**، بيروت: الدار المتوسطة، چاپ اول، ١٤٢٦ق.
١٤. ابن ماجه، محمد بن يزيد قزوینی: **سنن ابن ماجه**، رياض، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
١٥. ابن هشام، ابومحمد عبد الملك: **السيرة النبوية**، بيروت: دار احياء التراث العربي، بی تا.
١٦. ابوداوود، سليمان بن اشعث سجستاني: **سنن ابی داوود**، بيروت: دارالكتب العربي، بی تا.
١٧. امام عسكري عليه السلام، حسن بن علي: **التفسير المنسوب الى الامام الحسن العسكري عليه السلام**، قم: مدرسه امام مهدي عليه السلام، چاپ اول، ١٤٠٩ق.
١٨. آجري، ابوبکر محمد بن حسن: **الشریعة**، تحقيق: عبدالله بن عمر بن سليمان دمیجی، رياض: دار الوطن، بی تا.
١٩. آلوسی، شهاب الدين سيد محمود: **روح المعاني في تفسير القرآن العظيم**، بيروت: دار احياء التراث العربي، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
٢٠. الباني، محمد ناصرالدين: **التوسل انواعه واحكامه**، بی جا، المكتب الاسلامي، چاپ سوم، نرم افزار الشاملة نسخه ٣.٢٤.

۲۱. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم: **صحیح بخاری**، بیروت: دار الجیل، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۲۲. بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله: **البدع والمحدثات ما لا اصل له**، ریاض: دار ابن خزیمه، چاپ دوم، ۱۴۱۹ق.
۲۳. بهبهانی، عبدالکریم: **فی رحاب اهل البيت**، الشفاعه، قم: مرکز الطباعة و النشر للجمع العالمي لاهل البيت، چاپ دوم، ۱۴۲۲ق.
۲۴. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین: **دلائل النبوة**، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۲۵. _____: **سنن الکبری**، نرم افزار الشاملة نسخه ۳.۲۴.
۲۶. تربتی، حسین: «توسل به پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ»، مجله **میلغان**، ش ۱۲۷.
۲۷. ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره، **سنن ترمذی**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۲۸. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله: **المستدرک علی الصحیحین**، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۲۹. حر عاملی، محمد بن حسن: **اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات**، بیروت: اعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۳۰. _____: **وسائل الشیعة**، تحقیق: موسسه آل البيت، قم، نشر موسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۳۱. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله: **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**، تحقیق: محمد باقر محمودی، تهران: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۳۲. حلبی، علی بن برهان الدین: **السیره الحلبیه**، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۰۰ق.
۳۳. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر: **کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین**، تحقیق: حسین درگاهی، تهران: وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۳۴. راوندی، قطب الدین سعید بن هبه الله: **الخرائج والجرائح**، قم: موسسه امام مهدی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۳۵. _____: **قصص الأنبياء**، تحقیق: غلامرضا عرفانیان یزدی، مشهد: مرکز پژوهش های اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۳۶. رضوانی، علی اصغر: **سلفی گری و پاسخ به شبهات**، قم: انتشارات مسجد جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۳۷. رفاعی، محمد نسیب: **التوصل الی التوسل**، نرم افزار الشاملة نسخه ۳.۲۴.
۳۸. زرقانی مالکی، ابو عبدالله محمد بن عبدالباقی: **شرح المواهب**، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۴ق.
۳۹. سبحانی، جعفر: **التوسل مفهومه و أقسامه و حکمه فی الشریعة الإسلامیه الغراء**، قم: مرکز الأبحاث العقائدیة، نرم افزار الشاملة نسخه ۳.۲۴.
۴۰. _____: **آیین وها بیت**، قم: دفتر نشر اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۷۶ش.
۴۱. _____: **فی ظل اصول الاسلام**، قم: موسسه امام صادق، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۴۲. سبکی، تقی الدین علی بن عبدالکافی بن علی: **شفاء السقام فی زیارة خیرالانام**، المعجم العقائدی.
۴۳. _____: **شفاء السقام فی زیارة خیرالانام**، نرم افزار الشاملة نسخه ۳.۲۴.
۴۴. سمهودی، فخرالدین علی بن احمد: **وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۱ق.
۴۵. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان: **الدر المنثور**، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

٤٦. _____: **شرح سنن ابن ماجه**، نرم افزار الشامله.
٤٧. صالحى شامى، محمد بن يوسف، **سبل الهدى والرشاد**، تحقيق: عادل احمد عبدالموجود و على محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٤ق.
٤٨. صدوق، محمد بن على: **معاني الأخبار**، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: دفتر انتشارات اسلامى، چاپ اول، ١٤٠٣ق.
٤٩. _____: **من لا يحضره الفقيه**، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: دفتر تبليغات اسلامى، چاپ دوم، ١٤١٣ق.
٥٠. صفار، محمد بن حسن: **بصائر الدرجات**، قم: مكتبة آية الله مرعشى نجفى، چاپ دوم، ١٤٠٤ق.
٥١. صفورى، عبدالرحمن بن عبدالسلام: **نزهة المجالس و منتخب النفائس**، تحقيق: عبدالرحيم ماردىنى، بيروت: دار المحبة، ٢٠٠١م.
٥٢. ضياء آبادى، سيد محمد: **توسل از دیدگاه عقل، قرآن و حديث**، تهران: بنياد بعثت، چاپ پنجم، ١٣٨٤ش.
٥٣. طبرانى لحمى، ابوالقاسم سليمان بن احمد بن ايوب: **الدعاء**، نرم افزار الشامله نسخه ٣.٢٤.
٥٤. _____: **المعجم الصغير**، تحقيق: محمد شكور، بيروت: دار المكتب الاسلامى، چاپ اول، ١٤٠٥ق.
٥٥. _____: **المعجم الكبير**، تحقيق: حمدى بن عبدالمجيد سلفى، موصل: مكتبة العلوم و الحكم، چاپ دوم، ١٤٠٤ق.
٥٦. طبرى، فضل بن حسن، **اعلام الورى باعلام الهدى** (طبع قديم)، تهران: اسلاميه، چاپ سوم، ١٣٩٠ق.
٥٧. طريحي، فخرالدين بن محمد: **مجمع البحرين**، تحقيق: احمد حسينى اشكورى، تهران: نشر مرتضى، چاپ سوم، ١٣٧٥ش.
٥٨. عسكرى، سيد مرتضى: **توسل به پيامبر خدا و تبرك به آثار ايشان**، ترجمه: محمدجواد كرمى، تهران: مجمع علمى اسلامى، چاپ اول، ١٣٧٨ش.
٥٩. _____: **معالم المدرستين**، بيروت: مؤسسه النعمان للطبع و النشر و التوزيع، بى تا.
٦٠. عياشى، محمد بن مسعود: **تفسير العياشى**، تحقيق: هاشم رسولى محلاتى، تهران: المطبعة العلمية، چاپ اول، ١٣٨٠ق.
٦١. فتنى هندى، محمدطاهر بن على: **تذكرة الموضوعات**، نرم افزار الشامله ٣.٢٤.
٦٢. قندوزى، سليمان بن ابراهيم: **ينابيع المودة لذوي القربى**، تحقيق: سيد على جمال اشرف حسينى، قم: دارالاسوه، ١٤١٦ق.
٦٣. كلينى، محمد بن يعقوب، **الكافي**، تحقيق: على اكبر غفارى و محمد آخوندى، تهران: دار الكتب الاسلامية، چاپ چهارم، ١٤٠٧ق.
٦٤. مبارك فورى، ابوالعلا محمد عبدالرحمن بن عبدالرحيم: **تحفة الاحوذى بشرح جامع الترمذى**، بيروت: دار الكتب العلمية، بى تا.
٦٥. متقى هندى، علاءالدين على، **كنز العمال**، بيروت: مؤسسة الرسول، چاپ پنجم، ١٤٠٥ق.
٦٦. مجلسى، محمدباقر: **بحار الانوار**، بيروت: دار احياء التراث العربى، چاپ دوم، ١٤٠٣ق.
٦٧. محدثى، جواد: **تبرك و توسل**، نرم افزار الشامله ٣.٢٤.

۶۸. نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، *سنن نسائی*، تحقیق: عبدالغفار سلیمان بنداری و سید کسروی حسن، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۶۹. نیشابوری، ابوالحسین مسلم بن حجاج: *صحیح مسلم*، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۱ق.
۷۰. ہیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۷۱. ورام ابن ابی فراس، مسعود بن عیسی، *مجموعه ورام*، قم: مکتبه الفقیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

